



آشنایی با نقاشان

فصل چهارم - شماره ۳۸

موریس ولامینگ

آشنایی با هنرمندان تاثیر گذار تاریخ هنر و دیدن آثارشان علاوه بر اینکه می تواند یک فعالیت مطبوع خانوادگی باشد، بهترین راه برای شکل گیری ذائقه هنری و گسترش گنجینه تصویری ذهن کودکان و نوجوانان است.

در پروژه آشنایی با نقاشان مجموعه ای از آثار چهل و هشت نقاش موثر بر تاریخ هنر گردآوری شده است که طی چهار فصل - هر هفته مجموعه ای از آثار یک نقاش را - با هم مرور خواهیم کرد.



موريس ولامينگ . Maurice de Vlaminck

۱۸۷۶_ ۱۹۵۸

موریس دو ولامینگ در سال ۱۸۷۶ در پاریس زاده شد. پدرش ویولن آموزش می‌داد و مادرش از اهالی لورن بود و به تدریس پیانو می‌پرداخت. ولامینگ ویولن نوازی را از پدرش آموخت. او از اواخر دوران نوجوانی به آموختن هنر نقاشی روی آورد. در سال ۱۸۹۳ تحت آموزش نقاشی به نام هنری ریگالون به آموختن هنر نقاشی پرداخت. در سال ۱۸۹۴ با "سوزان برلی" ازدواج کرد. ولامینگ مصمم بود که مانند والدینش موسیقی را به عنوان شغل خود برگزیند؛ ولی نقطه عطف بزرگ در زندگی او ملاقات با نقاش مشتاقی به نام "آندره دورن" در قطاری به سمت پاریس بود که تمایلات نقاش شدن در او را تشدید کرد. ولامینگ در آن زمان ۲۳ سال داشت و اواخر دوران سربازی خود را می‌گذراند. این آشنایی به دوستی مادام العمر آنان انجامید.

زمانیکه در سال ۱۹۰۰ ولامینگ دوران سربازیش تمام شد همراه با آندره دورن استودیویی را اجاره کردند. ولامینگ در طول روز نقاشی می‌کرد و با تدریس ویولن و اجرای کنسرت‌های شبانه با گروه‌های موسیقی امرار معاش می‌کرد. در سال ۱۹۰۵ ولامینگ در نمایشگاه بحث‌برانگیز هنرمندان فوویسم در سالن پاییزی شرکت کرد. در این نمایشگاه بود که منتقد هنری "لوئی واسل" بعد از دیدن رنگ‌های تند "موریس دو ولامینگ"، "هانری ماتیس"، "آندره دورن"، "آلبر مارکه"، "کیس فان دنگن"، "چارلز کامون" و "ژان پوی" آنان را حیوانات وحشی نامید و چنین بود که جنبش آنان به همین نام عنوان یافت. به هر حال این سبک جدید با استقبال پرشوری نیز روبرو شد.

فوویسم (ددگری): «نخستین جنبش مهم در نقاشی سده بیستم» به شمار می آید. اگرچه امپرسیونیسم و پست امپرسیونیسم را باید سرآغاز و زمینه ساز تحولی جدید در هنر غرب دانست؛ اما در واقع، جنبش فووها «آغازگر مدرنیسم» بود. فوویسم همچنین، اولین جنبش پیشروی هنر اروپا بین آغاز سده بیستم تا آغاز جنگ جهانی اول محسوب می شوند.

اهمیت آن در ترکیب برخی جنبه های صوری نقاشی پست امپرسیونیسم و در بهره گیری جسورانه از رنگ ناب - آزاد سازی رنگ از کارکرد توصیفی محض و تأکید بر ارزش های تزئینی و بیانی آن بود. به هنرمندان فوویسم، «رنگ اندیش» نیز می گویند. زیرا در سبک فوویسم «رنگ» موضوع تابلو است. "ماتیس" به رهبر این گروه در سال 1980 می نویسد: «هدف اصلی من در نقاشی گویایی بیان است ... رنگ بیش از هر چیز باید در خدمت بیان حالت درونی هنرمند باشد.» نخستین تصویرهای فوویستی را ماتیس آفرید و همواره برجسته ترین عضو گروه بود. "هانری ماتیس"، بعد از مطالعه دقیق و نقادانه استادان پست امپرسیونیسم، یعنی "گوگن"، "ون گوگ" و "سورا" به سبک فوو روی آورد.

در نمایشی که نقاشان فوویسم؛ "ماتیس"، "دورن"، "ولامینک" و دیگران در سالن پاییز در سال 1905 برگزار کردند، اصطلاح "فووها" پدید آمد. "لوئی واسل" نام فووها را بر آثار آن ها نهاد. او با لحن تحقیر آمیزی این جمله را نوشت: «دوناتلو در میان وحوش» (فووها به معنای وحوش است)





























